****

[کفاره افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب و عدم رجوع به عرفات 1](#_Toc488765231)

[کفاره افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب و قصد رجوع به عرفات 1](#_Toc488765232)

[کلام محقق خوئی 2](#_Toc488765233)

[نقد کلام محقق خوئی 2](#_Toc488765234)

[(مسألة 371): بررسی حکم وقوف با عامه در عرفات 4](#_Toc488765235)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## کفاره افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب و عدم رجوع به عرفات

کفاره بدنه در افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب، نظر مشهور است، ولی پدر شیخ صدوق و خود شیخ صدوق و شیخ طوسی در خلاف گفته اند علیه دم، ظاهرا می خواسته اند اجمال گویی کنند، و گرنه بعید است که مقصودشان کفایت دم شاة باشد، و اگر هم مقصودشان کفایت دم شاة باشد، خلاف روایاتی است که به وجوب بدنه حکم کرده است.

فقط در فقه الرضا علیه دم آمده و لکن ممکن است این کتاب، همان رساله پدر شیخ صدوق باشد، و نهایت این است که روایت فقه الرضا پذیرفته شود و لکن اطلاق دارد و به دو صحیحه مسمع و ضریس که حکم به وجوب بدنه نموده، تقیید می خورد.

این در صورتی بود که از عرفات خارج شود و برنگردد.

## کفاره افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب و قصد رجوع به عرفات

اما صورت دوم، صورتی است که که قصد رجوع به عرفات قبل از غروب آفتاب را دارد، برخی گفته اند وقتی از عرفات خارج شده، اگر متعمدا بوده باشد، اطلاق دلیل می گوید باید بدنه بدهد، ولو بعد پشیمان شده و برگردد، زیرا افاضه یعنی خروج از عرفات قبل از غروب آفتاب و اطلاق دارد.

### کلام محقق خوئی

ایشان فرموده افاضه به معنای خروج مع عدم العود واقعا الی غروب الشمس است و اگر متعمد قبل از غروب برگردد، گرچه به سبب خروج و عدم بقاء در عرفات مرتکب حرام شده، اما  کشف می شود که خروج وی مصداق افاضه نبوده است.

#### نقد کلام محقق خوئی

اولا: اگر این شخص به قصد عدم العود خارج شود و به مکه بیاید، ولو پشیمان شده و برگردد، صدق می­کند که افاض ثم رجع، و نظیر این مطلب در نفر از منی هم می آید، چون برخی عاجز از رمی جمره هستند و نائب می گیرند و خودشان قبل از ظهر دوازدهم متعمدا نفر می کنند، در حالی که اگر نائب هم می گیرند، باز هم باید تا ظهر دوازدهم در منی باقی بمانند، لذا اگر هم از مکه به منی برگردند، صدق نفر از منی می کند.

بله، بعید نیست که دلیل بر وجوب کفاره بدنه، به مناسبت حکم و موضوع حکما از این فرض انصراف داشته باشد، یعنی منصرف باشد به من افاض و لم یرجع و حتی اگر شبهه انصراف هم داشته باشد، برائت از وجوب کفاره جاری می شود، اما نه این که اصلا صدق افاضه نکند، کما این که در صدق افاضه، افاضه گروهی شرط نیست، بلکه خروج یک نفری هم مصداق افاضه از عرفات است.

ثانیا: این که ایشان فرموده گرچه اگر به عرفات برگردد، افاضه صدق نمی کند، اما مرتکب حرام شده، چون مکث در عرفات واجب است، قبلا جوابش را داده ایم، و گفتیم که دلیلی بر وجوب مکث و بقاء در عرفات نداریم، آن چه منهی است، افاضه از عرفات است.

مطلب دیگری که محقق خوئی فرموده، این است که اگر کسی از عرفات به قصد عدم العود جهلا یا نسیانا خارج شود و به مکه بیاید و بعد عالم یا ملتفت شود، لازم است به عرفات برگردد، اما اگر برنگردد، کفاره بر او واجب نیست، زیرا بر کسی کفاره واجب است که افاضه او متعمدا باشد، و این شخص گرچه اگر برگردد، صدق افاضه نمی کند، اما اگر برنگردد، شرط متاخر است که خروج قبلی او مصداق افاضه شود، پس اگر برنگردد، شرط متاخر صدق افاضه بر خروج قبلی او تحقق می یابد و لکن به هنگام خروج از عرفات که متعمد نبوده تا افاض متعمدا بر او صدق کند و لذا کفاره بر او واجب نیست.

مثل این که کسی فکر می کرد اگر کسی در خانه زید وضو بگیرد، زید به وضو گرفتن او راضی است و وضو بگیرد، اما هنگام خروج، زید بگوید اجازه وضو از حوض خانه ما، در صورتی است که در همین جا نماز بخوانی، محقق خوئی می گوید وقتی وضو گرفت که متعمد نبوده و تکلیف نداشته و بعد از التفات هم عنوان وضو صدق می کند.

ان قلت: پس اگر موقع وضو گرفتن می دانستیم او به شرط نماز خواندن، راضی به توضی است و ما هم تصمیم بر نماز خواندن داشتیم و بعد از وضو پشیمان شدیم، باید وضوی ما صحیح باشد.

قلت: به هنگام وضو وقتی ملتفت و عالم باشد، تکلیف در حق او فعلی است، چون از اول می دانسته حصه ای از وضو که ملحوق به نماز باشد، جایز است و حصه دیگر حرام است و لذا معذور نیست و اگر در آن جا نماز نخواند، وضوی او باطل است.

به نظر ما این مطلب اخیر ایشان بر این فرض که اگر به عرفات برگردد، صدق افاضه نکند، تمام است، گرچه به نظر ما اگر برگردد، باز هم صدق افاضه می کند.

## (مسألة 371): بررسی حکم وقوف با عامه در عرفات

**إذا ثبت الهلال عند قاضي أهل السنة، و حكم على طبقه، و لم يثبت عند الشيعة‌ ففيه صورتان:**

**الأولى- ما إذا احتملت مطابقة الحكم للواقع فعندئذ- وجبت متابعتهم و الوقوف معهم و ترتيب جميع آثار ثبوت الهلال الراجعة الى مناسك حجه من الوقوفين و أعمال منى يوم النحر‌ و غيرها. و يجزئ هذا في الحج على الأظهر. و من خالف ما تقتضيه التقية بتسويل نفسه أن الاحتياط في مخالفتهم ارتكب محرما و فسد وقوفه. و الحاصل أنه تجب متابعة الحاكم السني تقية، و يصح معها الحج و الاحتياط حينئذ غير مشروع، و لا سيما إذا كان فيه خوف تلف النفس و نحوه، كما قد يتفق ذلك في زماننا هذا.**

**«الثانية» ما إذا فرض العلم بالخلاف، و ان اليوم الذي حكم القاضي بأنه يوم عرفة هو يوم التروية واقعا ففي هذه الصورة لا يجزئ الوقوف معهم، فان تمكن المكلف من العمل بالوظيفة و الحال هذه، و لو بان يأتي بالوقوف الاضطراري في المزدلفة دون أن يترتب عليه أي محذور (و لو كان المحذور مخالفته للتقية) عمل بوظيفته، و إلا بدّل حجه بالعمرة المفردة، و لا حجّ له، فان كانت استطاعته من السنة الحاضرة و لم تبق بعدها، سقط عنه الوجوب إلا اذا طرأت‌ عليه الاستطاعة من جديد.**[[1]](#footnote-1)

در زمان فعلی نوعا یا می دانیم که عامه روز هشتم و گاهی روز هفتم وقوف به عرفات می کنند و گاهی هم علم به وفاق نداریم، محقق خوئی فرموده اگر علم به خلاف دارید، باید صبر کنید و در روز نهم به عرفات وقوف کنید و لازم نیست با این ها وقوف کنید، ولی اگر علم به خلاف ندارید، باید همراه با آن ها وقوف انجام دهید و عمده دلیل ایشان در فرض عدم علم به خلاف، یکی سیره متشرعه است، 250 سال در عصر ائمه علیهم السلام، حکومت به دست مخالفین بوده، اما هیچ کجا نقل نشده که ائمه علیهم السلام یا اصحاب آن ها بر خلاف عامه عمل کرده باشند و دلیل دیگر ایشان روایت ابی الجارود است که می گوید عید قربان همان روزی است که عامه عید می گیرند.

آیت الله سیستانی فرموده نظر مشهور و مختار این است که وقوف با عامه مجزی نیست و تمسک به سیره هم خطاست، چون زمان ائمه، حکام در امر هلال سخت می گرفتند، ابو حنیفه می گفت در هوای صاف 50 نفر باید شهادت به ثبوت هلال بدهند، بر خلاف زمان فعلی که تابع فقه احمد بن حنبل هستند و به شهادت یک نفر هم حکم به ثبوت هلال می کنند و گاهی حتی بدون رویت هم حکم به هلال می­کنند، لذا در زمان ائمه علیهم السلام که حکام نوعا پیرو ابو حنیفه بودند، مشکلی پیش نمی آمده است و شاهدش این که هیچگاه از ائمه علیهم السلام روایتی مبنی بر سوال در این زمینه نقل نشده است.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 160‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/157) [↑](#footnote-ref-1)